فصلنامه علمی ـ پژوهشی اندیشه نوین دینی
سال چهارم، شماره دوازدهم، بهار ۱۳۸۷
صفحات ۱۵۳-۱۸۳

ANDISHE-E-NOVIN-E-DINI
A Quarterly Research Journal
Vol. 4, No. 12, Spring 2008

چالش‌های کلامی شبیه‌سازی انسان

عبدالمجید مقامی *

چکیده:

فن‌آوری شبیه‌سازی انسان، چالش‌هایی را در عرصه‌های مختلف زندگی دینی، اخلاقی، اجتماعی و حقوقی برانگیخته است. در جریان شبیه‌سازی که انتقال هسته سلول جسمی به تخمک بدون هسته است، موجودی مطابق با صاحب سلول جسدی به‌وجود می‌آید. درباره این تکنولوژی، بیم‌ها و امیدهایی وجود دارد و علی‌رغم طرفداران فراوان، گروهی آن را از جنبه‌های مختلف به چالش کشانده و خواستار ممنوعیت آن شده‌اند.

این مقاله، دلایل و چالش‌های کلامی شبیه‌سازی را طرح و بررسی کرده است و در آن به شبهاتی چون نفی خداوند، تحقق خلق به‌دست انسان، تغییر خلقت، مختل شدن نظام زوجیت و نقض تنوع افراد انسانی پرداخته شده و ثابت گردیده است که هیچ‌کدام از این چالش‌ها، نمی‌تواند دلیلی بر ممنوعیت شبیه‌سازی باشد. در پایان، کیفیت حشر انسان‌های شبیه‌سازی شده به‌صورت یک سؤال مطرح و به آن جواب داده می‌شود.

واژگان کلیدی: شبیه‌سازی انسان، چالش‌های کلامی، نفی خداوند، تغییر خلقت، نظام زوجیت، تنوع و حشر.

---

* عضو هیأت علمی گروه معارف دانشگاه آزاد اسلامی دزفول.

تاریخ دریافت: ۸۷/۵/۱۵ تاریخ تأیید: ۸۷/۹/۱۹

طرح مسأله

یکی از ویژگی‌های انسان، شوق فراوان او نسبت‌به کشف مجهولات و به‌دست آوردن اسرار آفرینش در زمینه‌های مختلف است و این امر، سبب اکتشافات و نوآوری‌های فراوانی گشته است. علم ژنتیک، یکی از این ثمرات است و موفقیت دانشمندان در عرصه شبیه‌سازی گیاهی و حیوانی، زنگ شبیه‌سازی انسان را به‌صدا درآورده است.

شبیه‌سازی انسان، پیامدهای گوناگونی را در حیات فردی و اجتماعی او به‌دنبال دارد. بر این اساس، امکان شبیه‌سازی انسان، حساسیت‌هایی را برانگیخته است و صاحبان ادیان نیز با این بحث درگیر شده و پرسش‌هایی را پیش کشیده‌اند؛ ازجمله اینکه آیا شبیه‌سازی انسان با مبانی دینی سازگار است؟ این امر چه آثاری بر زندگی انسان می‌گذارد؟ و... . در این مقاله، برخی از چالش‌های کلامی این پدیده، نقد و بررسی می‌شوند.

تاریخچه

ایده شبیه‌سازی انسان، ریشه در داستان‌ها، پیشگویی‌ها و فیلم‌های تخیلی هالیوود دارد. از آن‌جمله، فیلم «پسران برزیلی» است که نمایشگر تلاش ننونازیست‌ها برای شبیه‌سازی هیلتر بوده و موفقیت آنان را به‌تصویر کشیده است. نمونه دیگر، رمان ***دنیای شگفت‌انگیز نو*** نوشته آلدوس هاکسلی است که در سال ۱۹۳۲ در لندن منتشر شد و به‌دنبال آن شبیه‌سازی انسان مطرح گردید. (حسینی، ۱۳۸۱: ۳، ۱۹۷۲)

در مقام اثبات و حقیقت نیز دانشمند گیاه‌شناس آلمانی به‌نام هربرت وبر، تلاش‌هایی را در مورد گیاهان و بعضی از جانوران ساده، مثل کرم‌ها انجام داد. به‌دنبال آن در سال ۱۹۷۰ جان گاردن، تلاشی را در مورد شبیه‌سازی قورباغه انجام داد و توانست از طریق انتقال هسته، یک نوزاد قورباغه را کلون نماید؛ هرچند آن‌قدر زنده نماند تا کامل گردد. این تلاش‌های محققان علم ژنتیک همچنان ادامه داشت

تا اینکـه سـرانجام گروهـی از دانشـمندان مؤسسـه «رازلـین» در شـهر ادینبـورگ اسکاتلند، اقدام به اصلاح نژاد حیوانات اهلی به روش شبیه‌سازی نمودنـد، درنهایـت، تلاش آنها در پنج ژولای ۱۹۹۷ به‌ثمـر رسـید و یـان ویلمـوت، نخسـتین پسـتاندار شبیه‌سازی شده (گوسفند) را متولد کـرد و نـام آن را «دالـی» گذاشـت. (نـاظمی و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۹)

این دانشمند اسکاتلندی پس از ۲۷۶ بار آزمایش ناموفق، توانسـت بـا برداشـتن یک سلول از پستان یک میش سفید باردار و قرار دادن آن در داخل تخمـک بـدون هسته از یک گوسفند ماده دیگر، به‌کمک تحریک الکتریکی، آن را بارور سـازد و بـه تقسیم سلولی برانگیزد. او سپس آن را داخل رحم همان گوسـفند صـاحب تخمـک قرار داد و بعد از مدتی، یک بره سالم متولد شـد کـه کـاملاً شـبیه گوسـفند سـفید باردار بود و تا هفت سال هم زنده ماند.

این فن‌آوری را «کلونینگ» یا شبیه‌سازی نامیدند. انتشار خبـر تولـد «دالـی» از طریق شبیه‌سازی، حساسیت‌های ویژه‌ای را به‌وجود آورد؛ زیرا پـس از شـبیه‌سـازی گوسفند، فکر مهندسان ژنتیک، متوجه شبیه‌سازی انسان شد و در محافل مختلـف، سـخن از گسـترش ایـن فـن‌آوری بـود. سـرانجام در روز ۲۷ دسـامبر ۲۰۰۲ (۱۳۸۱/۱۰/۶) خبر هراس‌انگیزی مبنی بر تولد نخستین نوزاد انسـانی شـبیه‌سـازی شده ازسوی شرکت آمریکایی «کلوناید» به سراسر جهان مخابره شد. (همان: ۳۲)

با جدی شدن بحث شبیه‌سازی انسان، پرسش‌های اجتمـاعی و کلامـی فراوانـی مطرح گردید؛ ازجمله اینکه:

- اگر انسانی خارج از سنت زوجیـت بـه‌وجـود آیـد، تکلیـف نهـاد خـانواده چـه می‌شود؟

- هویت و کرامت انسان، اخلاق و وضع روحی و روانی او چگونـه شـکل خواهـد گرفت؟

- انسان‌هایی که از این فرایند تولید می‌شوند، چگونه انسان‌هایی خواهنـد بـود و

آیا در مسیر انسانیت و تکامل خود قدم برمی‌دارند یا به‌سمت سقوط و نابودی پیش خواهند رفت؟

- آیا انسان، جای خالق آسمان و زمین را می‌گیرد؟

طرح چنین پرسش‌هایی باعث واکنش دولت‌ها و مجامع علمی، فرهنگی و دینی در مقابل این مسأله گردید. کنفرانس عمومی یونسکو در نشست بیست و نهم خود در سال ۱۹۹۷ بیانیه جهانی «ژنوم انسانی و حقوق بشر» را در ۲۵ ماده به‌تصویب رساند. ماده ۱۱ این بیانیه چنین است:

> اعمال و فعالیت‌های مغایر با حیثیت و کرامت انسانی، ازقبیل شبیه‌سازی مولّد انسان‌ها نبایستی مجاز شمرده شود. از دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی ذی‌صلاح دعوت می‌شود تا در شناسایی این فعالیت‌ها و تعیین اقداماتی که در سطح ملی یا بین‌المللی برای تضمین رعایت اصول مندرج در این اعلامیه مناسب است، همکاری کنند. (محمدی، ۱۳۸۷: ۴۰۱)

ژاک شیراک، رییس‌جمهور وقت فرانسه، همتاسازی انسان را یک اقدام جنایتکارانه خواند و خواستار ممنوعیت آن در سرتاسر جهان شد. وی همچنین این عمل را مخالف حیثیت و شرافت انسانی دانست. (فوزی، ۱۴۲۰: ۲۴۳)

کلینتون، رییس‌جمهور وقت آمریکا نیز بعد از تولد «دالی» از کمیته مشورتیِ جنبه‌های اخلاقی - پژوهشی در علوم زیستی، درخواست راهنمایی کرد و این کمیته به او توصیه نمود تخصیص بودجه ازطرف دولت فدرال برای پژوهش در مورد شبیه‌سازی انسان را ممنوع کند. (فوکویاما، ۱۳۸۴: ۱۱۵)

رییس مجلس اروپا، شبیه‌سازی انسان را غیر قابل قبول دانست و به گروهی از متخصصان مأموریت داد تا این مسأله را بررسی کنند و ازطرف مجلس اروپا، ممنوعیت آن را به دولت‌ها اعلام نمایند. (فوزی، همان: ۲۴۴) دولت روسیه آن را

منع نکرد، اما برای آن قیود و شرایطی قرار داد تا حقوق انسانی حفظ شود. دولت استرالیا نیز استفاده از آن را برای اهداف غیرطبی منع کرد. (سعدی، ۱۴۲۳: ۳۶۷ و۴۳۳)

کشورهای اسلامی، ازجمله پاکستان، عربستان، مصر، کویت و قطر نیز اقدامات مشابهی را برای ممنوعیت آن انجام دادند. (همان: ۲۴۵) وزیران بهداشت کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، مخالفت کامل خود را با شبیه‌سازی انسان اعلام کردند و آن را بزرگترین جنایتی که با اخلاقیات پزشکی ناسازگار است، معرفی نمودند. (www.emi.ae :*2000/1/9*) صاحب‌نظران و دانشمندان ادیان و مذاهب، ازجمله علمای مسلمان هم در مقابل این پدیده موضع‌گیری کردند و ایده‌های فراوانی به صحنه نقد و بررسی این پدیده پانهادند.

تکنیک‌های شبیه‌سازی در حیوان و انسان

این فن‌آوری به سه روش عملیاتی می‌شود:

۱. شبیه‌سازی عضوی یا سلولی

در این روش، یک سلول از یک عضو خاصی از پیکر موجود زنده ـ مثل سلول پوست یا کلیه ـ گرفته می‌شود و با تمام محتویاتش اعم از پوسته بیرونی، سیتوپلاسم و هسته که از کروموزم‌های ویژه‌ای تشکیل یافته است، در یک مکان جدید مصنوعی قرار داده می‌شود تا از غذای مصنوعی استفاده کند و سلول‌های همسان و به‌هم پیوسته‌ای را تکثیر نماید. در نتیجه این فرایند، عضو جدیدی مثل قطعه‌ای از پوست یا کلیه، با تمام خصوصیات آن عضوی که سلول از آن گرفته شده بود، به‌وجود می‌آید. این عضو جدید در درمان بیماران به‌کار می‌رود.

۲. شبیه‌سازی جنینی یا همسان‌طلبی

در این روش، تخمک لقاح‌یافته با اسپرم مرد در رحم زن، شروع به تکثیر سلولی می‌کند و همه این سلول‌ها در پوسته‌ای که به آن «زایگوت» می‌گویند، قرار می‌گیرند. این فن‌آوری به انسان کمک می‌کند تا بتواند پوسته این سلول‌ها را بشکافد و با جدا کردن سلول‌ها از یکدیگر، هر کدام را در رحم زن و یا در مکان دیگر قرار دهد تا رشد نماید. این سلول‌ها همسان و در کلیه صفات و ویژگی‌ها، همانند خواهند بود و از آنها فرزندان چندقلوی بسیار شبیه به‌هم متولد می‌شوند. (مؤمن، ۱۳۸۴: ۴۶)

۳. شبیه‌سازی انسانی یا جسدی و جسمی

در این روش، هسته سلول جسمی یک موجود زنده در یک تخمک بارورنشدهٔ بدون هسته قرار می‌گیرد. (ریاض‌احمد، ۲۰۰۳: ۵۹) این روش به دو صورت انجام می‌شود:

یک. شبیه‌سازی درمانی که به نام‌های «شبیه‌سازی تحقیقاتی» و «شبیه‌سازی بیومدیکال» نیز معروف است. در این نوع نیز از روش انتقال هسته سلول استفاده می‌نمایند، لیکن پس از تشکیل پیش‌رویان، آن را به درون رحم منتقل نمی‌نمایند؛ بلکه ۴ تا ۵ روز پس از تشکیل آن، سلول‌هایی از آن استخراج می‌کنند که «سلول‌های بنیادی» نام دارند و سپس پیش‌رویان از بین می‌رود.

هدف اصلی این نوع شبیه‌سازی، تولید نسخه‌ای سالم از بافت‌ها و اندام‌های معیوب یک فرد و درنهایت، پیوند زدن این تولیدات به اوست. (محمدی، ۱۳۸۷: ۵۹)

دو: شبیه‌سازی انسانی یا همان شبیه‌سازی درمانی که پس از تشکیل پیش‌رویان، آن را در رحم می‌گذارند تا جنین شکل گرفته، نوزادی به‌وجود آید. (اسلامی، ۱۳۸۶الف: ۸۹)

موضع‌گیری‌های دانشمندان ادیان

کلیسای کاتولیک، قاطعانه هرگونه تلاش برای شبیه‌سازی انسانی را محکوم می‌کند و آن را عملی غیراخلاقی و ناقض کرامت انسانی می‌شمارد. این نهاد، هیچ فرقی میان شبیه‌سازی انسانی و درمانی نمی‌گذارد؛ زیرا در شبیه‌سازی درمانی نیز رویان شکل می‌گیرد و آنگاه نابود می‌شود و این با اصلی‌ترین حق هر انسانی، یعنی حق حیات مغایر است. البته با توجه به پیشرفت این فن‌آوری، جایی برای این نگرانی وجود ندارد؛ زیرا در شبیه‌سازی درمانی، به‌جای استفاده از تخمک انسان، می‌توان از تخمک حیواناتی مثل خرگوش استفاده کرد که رویان تشکیل‌شده از آن، استعداد تبدیل شدن به انسان را ندارد. از این‌رو مرحوم دکتر کاظمی، رییس سابق پژوهشکده رویان، در این‌باره معتقد بود:

> دانشمندان برای رفع نگرانی‌ها در مورد ملازم بودن پیشرفت‌های کلونینگ با از بین رفتن جنین‌ها، سلول‌های بنیادی انسان را در تخمک خرگوش کلون کردند و دیدند که این سلول‌ها به انسان تبدیل نمی‌شود و قوا و قوه انسانیت و تولد را هم ندارند و تنها سلول‌های یدکی را تولید می‌کنند. با این پیشرفت، خیلی از محدودیت‌ها و چالش‌های اخلاقی و حقوقی هم حل می‌شود. (کاظمی، ۱۳۸۵: ۲۴۲)

عالمان مسلمان، شبیه‌سازی درمانی را مجاز می‌شمارند (همان: ۸۱) و بعضی از آنها مثل قرضاوی، مفتی مصر، در مصاحبه خود با روزنامه ***الرایة*** شبیه‌سازی درمانی را در بعضی از موارد واجب می‌داند. (قرضاوی، ۱۳۸۲: ۵۵) ولی آنها در مورد شبیه‌سازی انسان اختلاف‌نظر دارند؛ گروهی آن را حرام و گروهی دیگر آن را مجاز می‌شمارند و هرکدام برای اثبات فتوای خود به دلایل مختلف تمسک کرده‌اند. دلایل حرمت شبیه‌سازی انسان در زمینه‌های مختلف فقهی، حقوقی، اخلاقی، کلامی، اجتماعی - روانی و علمی هستند.

دلایل کلامی، بیشتر از جانب علمای اهل سنت و برای حرمت مطرح شده است؛ گرچه محمدسلیمان اشقر، قوت دلایل کلامی برای حرمت شبیه‌سازی را کافی نمی‌داند. از میان علمای شیعه نیز علامه محمدمهدی شمس‌الدین از لبنان برای حرمت، به دلایل کلامی هم تمسک کرده است.

ما فارغ از اینکه دلایل کلامی، از جانب پیروان چه مذهب و آیینی مطرح شده باشند، آنها را بررسی می‌کنیم. مراد از دلایل کلامی، دلایلی هستند که ناظر به یک یا چند اصل اعتقادی دین باشند. از نگاه کلامی، اینچنین تصور می‌شود که این فن‌آوری با بعضی از اصول اعتقادی دین مثل خالقیت، مشیت و اراده خداوند در تعارض است و درنتیجه باید به منع آن فتوا داد.

مهم‌ترین دلایل کلامی که مخالفان شبیه‌سازی انسان مطرح کرده‌اند، عبارتند از: نفی خداوند، تحقق خلقت به‌دست انسان و سست شدن اعتقادات مردم، تغییر خلقت، ادعای خدایی کردن انسان، مختل شدن نظام زوجیت و نابودن شدن سنت مختلف بودن افراد انسان. بعضی هم زنده شدن انسان‌ها بعد از مرگ به‌وسیله شبیه‌سازی را به‌عنوان یک سؤال ذکر نموده‌اند و ما هم آن را به‌دلیل ارتباط با معاد مطرح کرده‌ایم.

۱. شبیه‌سازی انسان و نفی خداوند

ایده نفی خداوند و طرح خداوندگاری انسان روی زمین، یک ایده قدیمی است که قرآن کریم آن را از زبان بعضی از انسان‌های گذشته چنین نقل فرموده است: «فَقالَ أَنَا رَبّکُمُ ٱلأَعْلی.» (نازعات، ۲۴) و «ما عَلِمْتُ لَکُمْ مِنْ إِلهٍ غَیْری.» (قصص، ۳۸)

طبق این آیات، فرعون، خدای موسی را نفی و خود را به‌عنوان پروردگار معرفی می‌کند؛ او اعلام می‌دارد همان وظیفه‌ای که خدای موسی در حق انسان انجام می‌دهد، در توان او هم هست. شبیه همین نظریه در میان بعضی از فلاسفه غربی

هم وجود دارد. نیچه معتقد بود باید فکر وجود داشتن خدا را از زندگی انسان کنار گذاشت و انسان را خداوندگار حساب کرد و لذا او باید خود را پرستش نماید. (فروغی، ۱۳۶۶: ۳، ۲۰۱)

انسان در فن‌آوری ژنتیک به قله‌های بلندی از پیشرفت دست یافته است، به‌گونه‌ای که بر منبع رفتارهای فکری، روحی و روانی فرد (ژن) تسلط پیدا کرده است و می‌تواند از راه تغییراتی که در آن ایجاد می‌کند، انسان دلخواه خود را به‌وجود آورد.

بعضی می‌گویند: اگر انسان به این مرحله از توانایی برسد، حالتی شبیه روحیات فرعون برای او هم پدیدار می‌شود و ادعای مقام الوهیت می‌کند و این از مهم‌ترین خطراتی است که می‌تواند عامل مهمی برای تثبیت نظریه خداوندگاری انسان انگاشته شود.

بعضی دیگر، همین حالت روانی خداانگاری انسان را که در اثر این توانایی رخ می‌دهد، به‌گونه‌های دیگر مطرح کرده و برای مبارزه با شبیه‌سازی انسان، به آن تمسک یافته‌اند. اینک به برخی نمونه‌ها اشاره می‌شود:

یک. از زمان شبیه‌سازی «دالی» بعضی ادعا کرده‌اند دانش و دانشمندان در امر آفرینش، جای خدا را گرفته‌اند و می‌توانند موجود جدیدی خلق نمایند. (ریاض‌احمد، ۲۰۰۳: ۱۴۳)

دو. اگر جامعه‌ای در دوره خاصی از فردی اطاعت کند - مانند اطاعت آلمانی‌ها از هیتلر - ممکن است تکنولوژی شبیه‌سازی، این انسان را به جایی برساند که نقش خدا را بازی کند و خود را پرستش نماید. بنابراین فرایند شبیه‌سازی به صلاح بشریت نیست و هیچ سودی به حال او ندارد. (مصباح‌یزدی، ۱۴۱۹: ۳۷)

سه. پاپ ژان‌پل دوم درباره کسانی که درپی شبیه‌سازی انسان هستند، می‌گوید:

آنان از سر تکبر، این باور را در سر دارند که پروژه آنها از پروژه خالق برای بشریت بهتر است و این یعنی خود را خدا پنداشتن و از حدود انسانی و محدوده مجاز بیرون رفتن است. (اسلامی، ۱۳۸۴: ۸۴)

چهار. پدر ویلیام مائستری در مورد شبیه‌سازی می‌گوید:

ما تلاش می‌کنیم تا از طریق این تکنولوژی، خدا شویم و این وسوسه همیشگی بوده تا فقط خودمان را جای خدا بگذاریم. (همان: ۸۵)

در پاسخ به این‌گونه شبهات می‌توان چنین گفت:

یک. انسان به‌دلیل ویژگی‌های خاص خود، هرگاه حالت استغنا پیدا کند و بر مَرکب غرور و خودخواهی سوار شود، هیچ حد و مرزی را نمی‌شناسد و طغیان کرده، ادعای الوهیت می‌کند؛ چه فن‌آوری شبیه‌سازی باشد و چه سایر فن‌آوری‌ها؛ همان‌گونه که قرآن می‌فرماید: «كَلَّا إِنَّ ٱلْإِنْسانَ لَيَطْغى أَنْ رَآهُ اسْتَغْنى.» (علق، ۶ و ۷)

حالت استغنای از خداوند و مستقل شدن از او ممکن است در هر شرایط و موقعیتی برای انسان به‌وجود آید؛ همان‌گونه که وقتی فرعون خود را حاکم مطلق بر جان، مال و ناموس مردم دید، ادعای خدایی کرد. پس نمی‌توان گفت: فقط شبیه‌سازی، انسان را به این وادی گمراهی می‌کشاند.

دو. انسان با نیروی اندیشه می‌تواند قوانین حاکم بر خلقت را کشف نماید و به چگونگی خلقت انسان و کم و کیف آن پی ببرد تا بتواند یک فرد انسانی را به‌وجود آورد؛ اما مهم آن است که هرگز نمی‌توان بدون بهره‌گیری از مصنوعات خداوند، دست به شبیه‌سازی انسان زد؛ چون مهم‌ترین ابزار شبیه‌سازی، سلول است که آن هم مصنوع خداوند می‌باشد. با وجود این، معنا ندارد انسان ادعای الوهیت نماید؛ بلکه چه‌بسا دانشمندان با دیدن صحنه عجیب ساختمان بدن انسان، به عظمت

خدای متعال پی ببرند و خاضعانه، سر بر آستان مالک ملک و ملکوت فرو آورند.

سه. هرگز جانشین کردن انسان به‌جای خدا و نفی خالق یکتا، جزء اهداف به‌وجود آورندگان این فن‌آوری نبوده است. در همین راستا، ویلموت در کتاب خود، ***خلقت دوم دالی و عصر کنترل بیولوژیکی***، هدف خود از ساخت «دالی» را تولید داروهای مورد نیاز بیماران ذکر می‌کند. (محمدی، ۱۳۸۷: ۱۶۰)

شبهه خداوندگاری انسان از جانب عالمان الاهی در ارتباط با شبیه‌سازی انسان مطرح شده است؛ البته ممکن است به دنبال هر اکتشاف علمی، سوء استفاده‌هایی صورت پذیرد و شبیه‌سازی انسان هم از این امر مستثنا نیست و نباید به‌بهانه این سوء استفاده‌ها، با این فن‌آوری مقابله کرد.

۲. آفرینش به‌دست انسان

چالش کلامی دیگر در مورد شبیه‌سازی انسان، جنبه آفریدگاری انسان در عرض خداوند است. اکنون باید روشن شود شبیه‌سازی انسان، خَلق و ابداع است یا مونتاژ و سرهم کردن مخلوقات خداوند؟

بعضی شبیه‌سازی را یک نوع خلق می‌دانند و این عملیات را به خلقت حضرت عیسی و آفرینش حوا از دنده آدم تشبیه نموده‌اند. (احمدسالم حسن، ۱۴۲۹: ۲۷۰) به‌منظور پاسخ به این شبهه، نخست لازم است کاربرد واژه «خلق» را در منابع لغت و قرآن واکاوی کنیم.

۱-۱. معنای لغوی خلق

ابن‌منظور می‌گوید: «خلق درکلام عرب، ابداع چیزی است که مثل آن از قبل وجود نداشته باشد.» و از ابن‌انباری نقل می‌کند که «خلق دو معنا دارد؛ یکی انشا به‌معنای ابداع و دیگری تقدیر.» در قرآن نیز آمده است: «فَتَبارَکَ اللّهُ أحْسَنُ

الْخالِقینَ» و معنای «احسن الخالقین»، «احسن المقدّرین» است. (ابن‌منظور، بی‌تا: ۵، ۱۳۹)

۱-۲. معنای قرآنی خلق

واژه خلق در قرآن هم به‌معنای مصدری (به‌وجود آوردن و ابداع کردن) و هم به‌معنای اسم مفعولی (مخلوق) به‌کار رفته است. (ابن‌زکریا، ۱۴۰۴: ۲، ۲۱۳)

بعضی از قرآن‌پژوهان نیز چندین معنا برای خلق قایل شده‌اند:

یک. ابداع و ایجاد؛ مانند «خَلَقَ السّماواتِ وَ الْأَرْضَ.» (سجده، ۴)

دو. ایجاد چیزی از چیز دیگر؛ مانند «خَلَقَکُمْ مِنْ نَفْسٍ واحِدَةٍ.» «خَلَقَ الْإِنْسانَ مِنْ نُطْفَةٍ.» (نحل، ۴) خلق به‌معنای ابداع و ایجاد از عدم، مختص خداوند است.

سه. استحاله و دخل و تصرف در چیزی؛ مانند: «وَ إِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطِّینِ کَهَیْئَةِ الطَّیْرِ بِإِذْنی.» (مائده، ۱۱۰)

چهار. اگر خلق در مورد عموم مردم استعمال شود، به دو معناست، یکی به‌معنای تقدیر و دیگری به‌معنای کذب؛ مانند: «وَ تَخْلُقُونَ إِفْکًا.» (راغب‌اصفهانی، ۱۳۶۲: ۱۵۷)

مهم‌ترین معنای لغوی خَلق، همان ابداع و ایجاد چیزی از عدم است و همان‌طور که راغب و دیگران گفته‌اند، این معنا مخصوص خداوند است: «هَلْ مِنْ خالِقٍ غَیْرُ اللّهِ» (فاطر، ۳) واژه خلق، برای انسان هم استعمال می‌شود؛ که در چنین مواردی، به‌معنای دخل و تصرف در مخلوق خداوند است؛ بدین جهت، خداوند از بنا کردن ارم به خلق تعبیر کرده است: «لَمْ یُخْلَقْ مِثْلُها فِی الْبِلادِ.» (فجر، ۸)

از این آیه و امثال آن استفاده می‌شود که خلق، به‌معنای دخل و تصرف در

مصنوعات خداوند، برای انسان جایز است. مانند: «وَ إِلى ثَمُودَ أَخاهُمْ صالِحًا قالَ يا قَوْمِ اعْبُدُوا اللّهَ ما لَكُمْ مِنْ إِلهٍ غَيْرُهُ هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَ اسْتَعْمَرَكُمْ فيها فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمّ تُوبُوا إِلَيْهِ.» (هود، ۶۱)

شبیه‌سازی هم یک عملیات دخل و تصرف در مخلوقات خداوند است؛ چون اساس آن، سلول است که آن هم ساخته خداوند می‌باشد، نه ساخته انسان. همچنین واضح است که خلق به‌معنای ابداع شیء، بر شبیه‌سازی انسان صدق نمی‌کند و قرآن هم باصراحت می‌فرماید: «إِنّ الّذينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذُبابًا وَ لَوِ اجْتَمَعُوا لَهُ.» (حج، ۷۳)

بعضی از علمای اهل سنت می‌پذیرند که شبیه‌سازی به‌معنای خلق و ابداع نیست و اگر تمام انسان‌ها جمع شوند و فکر، نیرو و امکانات خود را روی هم بگذارند، نمی‌توانند حتی چیز بسیار کوچکی را ابداع نمایند؛ ولی از فهم اعتقادی ناصحیح مردم در هراس هستند که شبیه‌سازی را خلق و ابداع بدانند و آهسته آهسته به این باور برسند که بالاخره موجودی درکنار خداوند وجود دارد که بتواند چیزی را خلق نماید و بر همین اساس، شبیه‌سازی را حرام دانسته‌اند. این بحث در کتب ***الاستنساخ و الانجاب***، اثر کارم السید غنیم، ***الاستنساخ البشری بین القرآن و الحدیث***، نوشته محمد علوان و ***الاستنساخ فی میزان الاسلام***، به‌قلم ریاض احمد عودةالله به‌تفصیل مطرح شده است.

به‌نظر می‌رسد این ایده نادرست است؛ زیرا:

اولاً، احکام شرعی، مبانی خاصی دارند و باید براساس آنها حلیت و حرمت اشیا و افعال استنباط شود. نمی‌توان به‌بهانه سست شدن اعتقادات مردم، به حرمت شبیه‌سازی انسان حکم کرد؛ در این‌صورت باید به حرمت بسیاری از اکتشافات بشری فتوا داد و جامعه مسلمین را از کاروان علم و دانش، عقب نگه داشت؛ امری

که با پیام مؤکد اسلام مبنی بر لزوم فراگیری علم و دانش در هر زمان و مکان و از هر کس منافات دارد.

ثانیاً، باید تلاش شود تا سطح معرفت دینی مردم بالا رود، به‌گونه‌ای که فن‌آوری شبیه‌سازی و امثال آن را دلیلی بر عظمت خداوند متعال بدانند و اعتقادات آنها مبرهن گردد تا از حالت جهل و بی‌خبری بیرون آیند.

ثالثاً، امروزه که علم و دانش در میان جوامع بشری و دورافتاده‌ترین مجامع انسانی درحال توسعه است، این‌گونه تحریم‌ها سبب رکود جوامع اسلامی و تنفر غیر مسلمانان از اسلام خواهد شد. افزون بر آن، لازمه خاتمیت دین اسلام و جهانی بودن آن، این است که اسلام بتواند تمام نیازهای بشر را پاسخ دهد، به‌گونه‌ای که دانشمندان واقعی و کسانی که دنبال حقیقت هستند، آن را مخالف با علم و دانش نپندارند؛ همان اتفاق ناگواری که درباره مسیحیت رخ داد و تعارض بین علم و دین پایه‌های کلیسا را سست نمود!

تشبیه شبیه‌سازی انسان به خلقت حضرت عیسی و حوا نیز صحیح نیست؛ زیرا:

اولاً، تکنیک شبیه‌سازی می‌تواند انسان مؤنثی را از انسان مؤنث تولید کند؛ ولی نمی‌تواند انسان مذکری را از سلول مؤنث یا برعکس به‌وجود آورد؛ در حالی‌که حضرت عیسی از مریم و نیز حوا از آدم به‌وجود آمدند.

ثانیاً، خلقت حضرت عیسی معجزه است: «إِنّ مَثَلَ عیسی عِنْدَ اللّهِ کَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرابٍ ثُمّ قالَ لَهُ کُنْ فَیَکُونُ.» (آل‌عمران، ۵۹)

پس وجود حضرت آدم معجزه است و هرآنچه خلقتش مثل حضرت آدم باشد، معجزه خواهد بود و معجزه از دست هیچ‌کس غیر از خداوند و انبیای الاهی ساخته نیست.

ثانیاً، درباره روایاتِ حاکی از خلقت حوا از دنده آدم نیز باید گفت: این‌گونه روایات با روایاتی که خلقت حوا را از گِل دانسته‌اند، متعارض هستند.

۳. شبیه‌سازی انسان و تغییر خلقت

بعضی برای حرمت شبیه‌سازی انسان، این شبهه کلامی را مطرح کرده‌اند که این فرایند، تغییر دادن خلق خداوند و یک عمل شیطانی و حرام است. این چالش را بعضی از علمای اهل سنت مطرح کرده‌اند. (اشقر و دیگران، ۱۴۲۱: ۷۵۷ - ۷۵۹) آنها برای حرمتِ تغییر در خلقت، به برخی آیات و روایات استناد کرده‌اند؛ ازجمله وقتی خداوند، شیطان را از درگاه خود راند و او را لعن کرد، شیطان به خداوند گفت: «وَ لَآمُرَنَّهُمْ فَلَيُغَيِّرُنَّ خَلْقَ اللّهِ.» (نساء، ۱۱۹) بر این اساس، تغییر در خَلق، به امر شیطان است و شیطان هم فقط به فساد، فحشا و معاصی امر می‌کند؛ درنتیجه، تغییر در خلق حرام است. (اشقر، ۱۴۲۲: ۲۳) آیه دیگر مورد استناد آنها این آیه است: «فَأَقِمْ وَجْهَکَ لِلدِّينِ حَنيفًا فِطْرَتَ اللّهِ الّتی فَطَرَ النّاسَ عَلَيْها لا تَبْديلَ لِخَلْقِ اللّهِ.» (روم، ۳۰)

همچنین بخشی از حدیثی که برای حرمت تغییر خلق به آن تمسک کرده‌اند، چنین است:

> لعن عبدُالله الواشِماتِ و المُنتَصِماتِ و المُتفلِجاتِ للحُسن، المُغيّراتِ خلقَ الله فقالت امّ يعقوب: ما هذا؟ قال عبدالله: و ما لی لاألعُن مَن لَعنه رسول‌الله و هو فی کتاب الله؛ عبدالله بن مسعود، زنانی را که خال‌کوبی می‌کنند، زنانی که صورت خود را بند می‌اندازند، زنانی که میان دندان‌های خود فاصله می‌اندازند و خلقت خداوند را تغییر می‌دهند، لعن کرد. ام‌یعقوب به او گفت: چرا آنها را لعن می‌کنی؟ او گفت: چرا کسانی را که پیامبر آنها را لعن کرده است، لعن نکنم، در حالی‌که و این مطابق کتاب خداست.

گویا سبب لعن در این روایت، تغییر در اعضا و اجزای بدن دانسته شده است. بر این اساس، دلیل بر حرمت شبیه‌سازی آن است که این عمل، تغییر خلق و طبق

آیات و روایات حرام است.

در پاسخ به این اشکال می‌توان گفت:

اولاً، منظور از تبدیل خلق در آیه مبارکه «لا تَبْدیلَ لِخَلْقِ اللّهِ» همان‌طوری که مفسران گفته‌اند، دین فطری و فطرت انسان‌هاست. تبدیل و تغییری در دین و فطرت به‌وجود نمی‌آید و انسان‌ها براساس فطرت زندگی می‌کنند. بسیاری از مفسران اهل سنت، همین نظریه را در تفسیر این آیه پذیرفته‌اند. (اشقر، ۱۴۲۲: ۲۳) بدیهی است که این معنا ربطی به شبیه‌سازی انسان ندارد.

علامه طباطبایی هم می‌فرمایند: «هیچ بعید نیست که مراد از تغییر خلقت در آیه، خروج از حکم فطرت و رها کردن دین حنیف باشد.» (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۵، ۸۵) شیخ طوسی هم در ذیل همین آیه، روایاتی را از ابن‌عباس نقل می‌کند که مراد از تغییر خلقت را همان تغییر دادن دین خدا می‌دانند. (طوسی، بی‌تا: ۳، ۳۳)

اما حدیث یادشده نیز حجیّت ندارد؛ چون قولِ عبدالله‌بن مسعود است، نه قول معصوم و بنابر نظر علمای تشیع و محققان از اهل سنت، قول صحابی حجت نیست.[1] اما بر فرض که قول ایشان حجت باشد، تفلیج (فاصله انداختن بین دندان‌ها)، وشم (خال‌کوبی) و نمص (بند انداختن به صورت) تغییر در جسم هستند که انسان را به‌گونه‌ای دیگر، غیر از گونه‌ای که خداوند او را به‌وجود آورده است، نشان می‌دهد و این کار بر شبیه‌سازی که ایجاد نمونه‌ای طبق اصل خود است، منطبق نمی‌شود؛ مگر اینکه منجر به کارهایی مثل به‌وجود آمدن مرغ شش‌پا یا مرغ

---

۱. در مورد حجیت قول صحابی باید گفت: از نظر علمای شیعه، قول صحابی و غیرمعصوم مطلقاً حجت نیست و به‌اجماع اهل سنت، در مسایل اجتهادی، قول صحابی برای صحابی دیگر حجت نیست. این اجماع را قاضی ابوبکر، آمدی، ابن‌حاجب و دیگران نقل کرده‌اند؛ ولی در حجیت قول صحابی برای تابعین و نسل بعد، اختلاف‌نظر دارند. قول مشهور علمای اهل‌سنت، عدم حجیت است. برای اطلاع بیشتر بنگرید به: ***اصول الفقه الاسلامی***، امیر عبدالعزیز: ۲، ٤۹۷.

دوسر یا گاو یک‌چشم بشود. (اشقر، همان: ۲۳)

ثانیاً، شبیه‌سازی انسان، تغییر در خلق خداوند به‌گونه‌ای که چیز جدید و بی‌مانندی باشد، نیست؛ بلکه از انسان به‌همان صورتی که قبلاً وجود داشت، کپی‌برداری می‌شود.

ثالثاً، اگر به‌طورکلی، تغییر در خلق خداوند به هرنوع آن ممنوع باشد، نباید هیچ‌گونه تغییر و تحول در آبادی و عمران زمین و آنچه که در آن است، جایز باشد؛ در حالی‌که عمران زمین و بهره‌برداری مناسب از آن و کشف اسرار آن، یک دستور شرعی است که رسیدگی به وضع مسکن، بهداشت، لباس و اصلاح جسم، صورت، نباتات، أنهار و... در آن می‌گنجند. یکی از فقهای بزرگ شیعه در این‌باره فرموده‌اند:

> دلیلی بر حرام بودن تغییر خلقت به‌طور مطلق وجود ندارد؛ چون اگر هرگونه تغییر در خلقت حرام باشد، باید هر نوع تصرف در مصنوعات و مخلوقات خداوند، مثل کانال‌کشی آب‌ها، حفر چاه‌ها، کاشت درختان و زراعت‌ها، قطع ناخن‌ها و تغییرهای دیگر حرام باشد و این قابل قبول نیست. (خویی، ۱۳۷۷: ۱، ۲۵۸)

تولید امروزی جوجه کاملاً با روال طبیعی آن فرق دارد و تغییراتی در آن ایجاد شده است و همه عقلای عالم چه مسلمان و چه غیر مسلمان، آن را به‌عنوان یک امر لازم زندگی پذیرفته‌اند و فقیهی هم به حرمت آن فتوا نداده است. علاوه بر اینکه تغییر، تحول و بهره‌برداری از زمین و محتویات آن هم شرعاً جایز است، همچنان‌که تحقیق، تفحص و بهره‌برداری از آسمان‌ها نیز جایز است؛ زیرا قرآن می‌فرمایند: «وَ فِی السّماءِ رِزْقُکُمْ وَ ما تُوعَدُونَ.» (ذاریات، ۲۲)

از این آیه معلوم می‌شود که رزق و روزی انسان‌ها در آسمان‌ها و کرات است و به‌دست آوردن روزی از کرات آسمانی هم با تحول و دخل و تصرف در آنها میسر است.

همچنین در قرآن آمده است: «سَخّرَ لَکُمْ ما فِی السّماواتِ.» (جاثیه، ۱۳) و مسخر کردن یک چیز به‌غیر از تفکر، تفحص، تغییر و تحول در آن، چیز دیگری نیست و همین معنا در روایات نیز دیده می‌شود؛ از پیامبر(ص) نقل شده است که:

> تفکّروا فی الخَلقِ و لاتتفکّروا فی الخالق فانّکم لاتَقدِرون قَدره؛ در مخلوقات خداوند تفکر کنید؛ ولی در خود خالق تفکر نکنید؛ چون شما قَدر و کُنه او را درک نمی‌کنید. (قرطبی، ۱۴۰۵: ۴، ۳۱۴)
>
> تفکّروا فی آلاء الله؛ در نعمت‌های خداوند تفکر نمایید. (سیوطی، ۱۴۲۱: ۲، ۳۸۱)

یکی از لوازم تفکر درنعمت‌های خداوند، بهتر استفاده کردن از آنهاست. اگر انسان بتواند راه استفاده بهتر از نعمت‌های خداوند بیابد، به این حدیث عمل کرده است.

سؤال

اگر پزشکان، زنی را که عقیم است، معالجه کنند و او بتواند بچه‌دار شود در حالی‌که قرآن می‌فرماید: «وَ یَجْعَلُ مَنْ یَشاءُ عَقیماً.» (شوری،۵۰) آیا معالجه زن عقیم، منافاتی با این آیه دارد و مصداق تغییر خلق است؟

بعضی مانند شیخ محرز سلامه از مصر، دکتر عبدالله خریجی از دانشگاه ملک عبدالعزیز جده و شیخ محمدمتولی شعراوی، عقیم بودن را یک هدیه الاهی و تابع اراده خداوند می‌دانند و درمان آن را مصداق تغییر خلق دانسته و ممنوع کرده‌اند. (غنیم، ۱۴۱۸؛ ۳۰۱) بعضی دیگر، درمان ناباروری را مخالف سنت خداوند به‌حساب آورده و هر نوع تلاش برای باردار شدن زن عقیم را مخالف سنت الاهی دانسته‌اند. (ریاض‌احمد، ۲۰۰۳: ۲۰۰)

در پاسخ به این سؤال می‌توان گفت: باردار شدن، کمالی برای زن و هماهنگ با خلقت طبیعی اوست؛ حس بارداری و نیاز به فرزند در غریزه انسان وجود دارد و این حس الاهی باید اشباع شود. اگر شخص عقیم معالجه نشود، او و همسرش دائماً در رنج و عذاب به‌سر می‌برند و برای رفع مانع و مشکل و بچه‌دار شدن از هیچ تلاشی دریغ نخواهند کرد. بنابراین عقیم بودن به‌عنوان یک مرض، امری خلاف طبیعت و باعث قطع نسل انسان می‌شود، که شرع، مداوا کردن آن را جایز و در بعضی از موارد واجب دانسته است.

هدف خداوند از آیه «وَ یَجْعَلُ مَنْ یَشاءُ عَقیماً» نیز تبیین یک سنت الاهی و قوانین حاکم بر پیکر زن است که طبق این قوانین، زن باردار می‌شود و ناباروری به علت اجرا نشدن قوانین الاهی حاکم بر کالبد آنهاست. افزون بر آنکه عقیم به زنی می‌گویند که به‌طور کلی امکان بچه‌دار شدن برای او وجود نداشته باشد؛ ولی اگر زنی ناباروری را از طریق روش‌های جدید علمی مداوا نماید، آن زن عقیم نخواهد بود.

بسیاری از علمای اهل سنت، استدلال مخالفان را قبول نکرده‌اند و درمان زن عقیم و همچنین لقاح برون‌رحمی را جایز و حتی بعضی آن را واجب دانسته‌اند. (احمدسلامه، ۱۴۱۷: ۴۲). «مجمع الفقه الاسلامی» وابسته به سازمان کنفرانس اسلامی، در سومین نشست خود در عمان (۸ ـ ۱۳ صفر ۱۴۰۷) موارد مختلف تلقیح مصنوعی را مورد بحث قرار داد و طی یک بیانیه ، هفت مورد از آن را بر شمرده که طی آن، پنج مورد را ممنوع و دو مورد دیگر را مجاز شمرده بودند. بر طبق مجاز بودن این دو مورد، عقیم بودن زن درمان می‌شود. (۱۴۱۸: ۳۴)

انسان موظف است به‌وسیله نیروی عقل و اندیشه، مشکلات خود و جامعه را حل نماید تا زندگی بهتری داشته باشد. شریعت اسلام هرگز راضی به رنج و درد افراد عقیم نیست و مانع از معالجه کردن آن نخواهد شد.

۴. مختل شدن نظام زوجیت

بعضی از متکلمان، شبیه‌سازی انسان را خلاف نظریه قرآن درباره تکثیر انسان می‌دانند؛ چون از نظر آنان قرآن برای تولید نسل انسان، روش خاصی را بیان کرده است، مانند:

> یا أَیّهَا النّاسُ اتّقُوا رَبّکُمُ الّذی خَلَقَکُمْ مِنْ نَفْسٍ واحِدَةٍ وَ خَلَقَ مِنْها زَوْجَها وَ بَثّ مِنْهُما رِجالاً کَثیراً وَ نِساء. (نساء، ۱)
>
> وَ خَلَقْناکُمْ أَزْواجًا. (نبأ، ۸)
>
> وَ أَنّهُ خَلَقَ الزّوْجَیْنِ الذّکَرَ وَ الْأُنْثی. (نجم، ۴۵)
>
> وَ مِنْ کُلّ شَیْءٍ خَلَقْنا زَوْجَیْنِ. (ذاریات، ۴۹)

از این آیات، چنین برمی‌آید که نظام زوجیت، یک سنت تکوینی غیر قابل تغییر است. عقد ازدواج هم یک حکم تشریعی است که برطبق همان سنت تکوینی مقرر شده است و شبیه‌سازی، این سنت الاهی را نابود می‌کند. افرادی مانند ریاض احمد و کارم غنیم همین نظریه را پذیرفته‌اند. (ریاض‌احمد، ۲۰۰۳: ۱۳۰)

قرضاوی در مصاحبه خود در روزنامه ***الرایة*** با پذیرش این نظریه می‌گوید:

> دانش عصر حاضر، کشف و ثابت نموده که مسأله ازدواج، حتی در دنیای جامدات نیز وجود دارد؛ مثلاً در جریان الکتریسیته، دو قطب مثبت و منفی موجود است؛ بلکه اتم که بنیادی‌ترین زیرساخت جهان است، از دو جزء الکترون و پروتون که به‌ترتیب، دارای بار الکتریکی منفی و مثبت می‌باشند، تشکیل شده است. (قرضاوی، ۱۳۸۲: ۵۴)

بر طبق این آیات، اگر طریقه دیگری به‌غیر از آمیزش و ازدواج برای تولید مثل

به‌وجود آید، خلاف دلالت قرآنی خواهد بود. (اشقر، ۱۴۲۲: ۲۵) بنابراین چون شبیه‌سازی انسان، ناقض نظام زوجیت است، پس حرام می‌باشد.

در پاسخ به این شبهه می‌توان گفت:

اولاً، درست است که قرآن کریم، تولید انسان ازطریق ازدواج را مطرح کرده است؛ ولی هرگز آن را منحصر به ازدواج و آمیزش ننموده است. به‌عبارت دیگر، قرآن کریم یک راه آسان تولید مثل که همان آمیزش است را بیان می‌کند و این هیچ منافاتی با راه‌ها و روش‌های دیگر تولید مثل ندارد.

ثانیاً، هرگز شبیه‌سازی انسان، خارج از سنت الاهی زوجیت نیست؛ زیرا در مواردی از شبیه‌سازی که از هسته سلول جسمی و تخمک زن استفاده می‌شود، این سنت الاهی اجرا می‌شود و در مواردی هم که فقط از سلول جسمی استفاده می‌شود، خود این سلول، متشکل از گامت‌های نر و ماده است که زمینه تولید نطفه برای آنها فراهم می‌شود. بنابراین شبیه‌سازی انسان، روشی دیگر برای تولید انسان است که خداوند، آن را جزء قوانین تکوینی قرار داده است و بشر توانسته آن را کشف نماید. پس باید این کشف به‌عنوان آیه‌ای بر عظمت خداوند محسوب شود، نه برخلاف سنت او.

ثالثاً، چون انسان با روش معمول آمیزش و ازدواج بچه‌دار می‌شود و با آن خو گرفته است، با سایر روش‌ها مقابله می‌کند و در برابر آنها از خود مقاومت نشان می‌دهد تا اینکه با آن مأنوس شود و در آن هنگام آن ا مجاز می‌شمارد؛ همانند آنچه قرآن برای سفر زیارت خانه خدا بیان می‌کند که: «وَ أَذِّنْ فِی النّاسِ بِالْحَجّ یَأْتُوکَ رِجالاً وَ عَلی کُلّ ضامِرٍ یَأْتینَ مِنْ کُلّ فَجّ عَمیقٍ.» (حج، ۲۷)

قرآن کریم، روش معمول مسافرت کردن در آن زمان یعنی پیاده یا سواره بر شتر را متذکر شده است و مراد این نیست که از روش‌های جدید برای این منظور استفاده نشود؛ اما بعد از به‌وجود آمدن وسایل نقلیه جدید، گروهی با آن مخالفت

کردند؛ اما این مخالفت، مؤثر نیفتاد.

رابعاً، اگر واقعاً این سخن درست باشد که نظام عالم بر مبنای زوجیت است، به هیچ‌رو امکان نقض آن وجود ندارد؛ چون تنها نقض قوانین تشریعی ممکن است، نه قوانین تکوینی. حال اگر بشر بتواند قانون عام موجود در هستی را نقض کند، معنا و لازمه کلامی خطیری خواهد داشت و آن اینکه بشر، قدرتی همسنگ قدرت لایزال خدا دارد و می‌تواند قانونی را که براساس آن، طبیعت آفریده شده است، نقض کند؛ «سبحان الله عما یقولون علواً کبیراً» این مطلب لوازمی دارد که مخالفان شبیه‌سازی انسان هرگز آنها را نخواهند پذیرفت. (اسلامی، ۱۳۸۴: ۱۰۷)

بنابراین نه‌تنها شبیه‌سازی، خلاف آموزه‌های قرآنی نیست، بلکه در قرآن، آیه‌ای وجود دارد که به بعضی از روش‌های شبیه‌سازی اشاره می‌کند:«نِساؤُکُمْ حَرْثٌ لَکُمْ فَأْتُوا حَرْثَکُمْ أَنّی شِئْتُمْ.» (بقره، ۲۲۳) این آیه، زنان را شبیه به کشتزار دانسته است که از آنها بچه متولد می‌شود؛ پس یکی از هدف‌های همسرداری و آمیزش، تولید نسل است. در این‌صورت بچه‌دار شدن در دستگاه و رحم زنان به هر نحوه‌ای که باشد، هدف آیه برآورده می‌شود. بعضی از انواع شبیه‌سازی انسان می‌تواند یکی از مصادیق باروری و تولید مثل باشد؛ مانند موردی که هسته سلول مرد را با تخمک زن شرعی او مخلوط کنند و در رحم او قرار دهند تا بچه متولد شود.

۵. شبیه‌سازی و تنوع افراد انسان

بعضی دیگر، مختلف بودن شکل‌ها، رنگ‌ها و جهات دیگر افراد انسانی را یک سنت الاهی دانسته و برای اثبات ادعای خود به آیاتی تمسک کرده‌اند؛ ازجمله:

و من آیاته خَلْقُ السّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ اخْتِلافُ أَلْسِنَتِکُمْ وَ أَلْوانِکُمْ إِنّ فی ذلِکَ لَآیاتٍ لِلْعالِمینَ. (روم، ۲۲)

وَ لَوْ شاءَ رَبّکَ لَجَعَلَ النّاسَ أُمّةً واحِدَةً وَ لایَزالُونَ مُخْتَلِفینَ. (هود، ۱۱۸)

آنها معتقدند شبیه‌سازی انسان باعث می‌شود تمام انسان‌ها به یک شکل و قیافه و رنگ به‌وجود بیایند و این برخلاف سنت الاهی پیشگفته است؛ زیرا حکمت مختلف بودن افراد این است که همدیگر را بشناسند تا نظام خانواده، جامعه، محاکم قضایی و... به‌هم نخورد. اگر افراد از هر نظر مثل هم باشند، تشخیص آنها مشکل خواهد بود. حتی زن که شبانه‌روز با همسر خود است، نمی‌تواند همسرش را از فردی دیگر تشخیص دهد و نظم جامعه به‌هم می‌ریزد. شما تصور کنید کسی را به خانه‌ای مراجعه می‌کند که با صاحب آن از تمام جهات مثل هم هستند و ادعا می‌کند این منزل با زن و بچه و سایر امکانات آن مال من است و صاحب منزل هم همین را ادعا می‌کند! حال چگونه می‌توان بین اینها تمایز قایل شد و راستگو را از دروغگو تشخیص داد. (سعدی، ۱۴۲۳: ۴۰۳) قرضاوی در این‌باره می‌گوید:

> دانش‌آموزانِ شبیه‌سازی شده‌ای را تصور نمایید؛ چگونه معلم آنها را از یکدیگر تشخیص دهد؟ چگونه زید و عمر و بکر را می‌شناسد؟ چگونه مجرم از بی‌گناه تشخیص داده می‌شود، در حالی‌که صورت‌ها، قیافه‌ها و چهره‌ها (حتی اثر انگشت‌ها) یکی است؟ (قرضاوی، ۱۳۸۲: ۳، ۵۴)

حمدی زقزوق (سعدی، همان: ۴۰۷)، دکتر نصر فرید واصل، مفتی مصر(همان: ۴۱۱) و ریاض‌احمد عودةالله (ریاض‌احمد، ۲۰۰۳: ۱۳۲) ازجمله کسانی هستند که بر این اساس با شبیه‌سازی مخالفت ورزیده‌اند.

در پاسخ این شبهه نیز می‌توان چنین گفت:

اولاً، هنوز به اثبات نرسیده است که انسان‌های شبیه‌سازی شده از تمام جهات جسمی می‌توانند مثل هم باشند؛ زیرا کیفیت شکل گرفتن جسم انسان، علاوه بر قانون وراثت، به اموری مثل غذا، آب و هوا و موقعیت جغرافیایی وابسته است. (سعدی، ۱۴۲۳: ۷۰) اگر مثلاً یک خانواده سفیدپوست از منطقه زندگی خود

مهاجرت کنند، به مرور زمان در فرم چهره و رنگ آنها تغییراتی به‌وجود می‌آید و آن حالت اولیه والدین و اجداد خود را از دست می‌دهند. انسان‌های شبیه‌سازی شده نیز در مناطق مختلف زندگی می‌کنند و درنتیجه در روح و روان، رفتار و جسم آنها تغییراتی ایجاد می‌شود، که آن را «جبرگرایی محیطی» می‌گویند و گروهی از دانشمندان، مانند ابن‌خلدون بدان پرداخته‌اند. وی در مورد تأثیر محیط جغرافیایی و آب و هوای متفاوت بر رنگ، اخلاقیات و رفتار انسان‌ها می‌گوید:

> زمین دارای هفت اقلیم است که از نظر سرما و گرما و معتدل بودن با هم متفاوت هستند. اقلیم‌های اول، دوم، ششم و هفتم از اعتدال دور هستند، ولی اقلیم چهارم معتدل است و اقلیم سوم و پنجم هم به اعتدال نزدیک‌تر هستند و لذا عمران و آبادی، پوشیدنی‌ها، خوردنی‌ها، میوه‌ها و بلکه حیوانات در این مناطق به اعتدال اختصاص یافته‌اند؛ حتی افراد ساکن مناطق معتدل، از حیث جسم، رنگ، اخلاق و دین نیز معتدل‌تر هستند و حتی اکثر پیامبران الاهی از میان همین افراد به‌وجود آمده‌اند؛ اما ساکنان اقلیم‌های غیرمعتدل و گرم در همه‌چیز از اعتدال به‌دور هستند. (ابن‌خلدون، بی‌تا: ۸۲)

ثانیاً، والدینی که فرزندان دوقلو دارند - حتی دوقلوی یک تخمک که ظاهراً از تمام جهات جسمی مثل هم هستند - در ابتدا برای شناسایی آنها مشکل دارند؛ ولی بعداً و به‌مرور زمان که به آنها عادت می‌کنند، آنها را از همدیگر تشخیص می‌دهند. همین روش والدین دوقلوها را می‌توان برای انسان‌های شبیه‌سازی شده در سطح جامعه و به‌صورت وسیع و دقیق‌تر اجرا کرد تا مردم به این روش شناسایی عادت کنند.

ثالثاً، مقداری از صفات روحی و روانی انسان‌ها وراثتی است که می‌توان با دست‌کاری ژن‌ها آنها را یکسان کرد؛ ولی بسیاری از اوصاف روحی، به تربیت‌های

خانواده و جامعه وابسته است که در شکل گرفتن شخصیت فرد، نقش اساسی دارند. درنتیجه افراد شبیه‌سازی شده، اختلاف روحی و روانی پیدا می‌کنند و این امر در نوع رفتار آنها تأثیر می‌گذارد و از این طریق می‌توان آنها را شناسایی کرد. (علوان، ۱۴۱۹: ۷۳)

رابعاً، با مجاز شدن شبیه‌سازی انسان، مختلف بودن افراد انسانی از بین نخواهد رفت؛ زیرا این فرایند اصلاً مقرون به‌صرفه نیست و انسان هم معمولاً به‌دنبال آسان‌ترین راه برای رسیدن به مقصود خود است. حتی اگر این فن‌آوری تکامل پیدا کند و همه انسان‌های تولیدشده، شبیه به‌هم شوند، آن‌وقت راهی هم برای شناسایی افراد اختراع می‌شود، مثل نهادن یک دستگاه مخصوص در بدن آنها به‌گونه‌ای که هیچ ضرری برای آنها نداشته باشد؛ مشابه سمعک‌های ریزی که در زیر لاله گوش به‌صورت نامحسوس قرار می‌دهند تا مشکل شنوایی را حل کند.

۶. شبیه‌سازی و زندگی پس از مرگ

یکی از دغدغه‌های بشر، زندگی پس از مرگ است. انسان اجمالاً و به‌صورت فطری می‌داند که پس از مرگ، زندگی دیگری وجود دارد و تمام ادیان الاهی مخصوصاً اسلام بر آن تأکید فراوان کرده‌اند. همان‌گونه که گذشت، موجودات دارای شکل‌های گوناگونی هستند؛ لذا بعضی در مورد معاد این سؤال را مطرح کرده‌اند که با توجه به آیات و روایات، همه انسان‌ها در معاد به یک صورت و شکل و رنگ محشور می‌شوند و از تمام جهات شبیه هم می‌باشند. آیا می‌توان گفت انسان‌هایی که ازطریق استنساخ و شبیه‌سازی به‌یک شکل درمی‌آیند، زندگی پس از مرگ را هم ادامه می‌دهند؟ تعدادی از آیات و روایاتی که شبیه بودن انسان‌ها را بیان می‌کند، عبارتند از:

إِنّا أَنْشَأْناهُنّ إِنْشاءً فَجَعَلْناهُنّ أَبْكارًا عُرُبًا أَتْرابًا لأَصْحابِ الْيَمين. (واقعه، ۳۶)
وَ حُورٌ عينٌ كَأَمْثالِ اللّؤْلُؤِ الْمَكْنُون. (واقعه، ۲۲و۲۳)
وَ عِنْدَهُمْ قاصِراتُ الطّرْفِ عينٌ كَأَنّهُنّ بيضٌ مَكْنُون. (صافات، ۴۸و۴۹)

پیرزنی نزد پیامبر اکرم(ص) آمد و گفت: یا رسول‌الله آیا من داخل بهشت می‌شوم! پیامبر اکرم(ص) از روی مزاح فرمودند: «پیرزن که داخل بهشت نمی‌شود»؛ آن پیرزن با گریه و ناراحتی بازگشت. پیامبر(ص) فرمودند: او را برگردانید؛ سپس به او فرمودند: «پیرزن هرگز داخل بهشت نمی‌شود» و این آیه را برای او خواند «إِنّا أَنْشَأْناهُنّ إِنْشاءً» که دلالت می‌کند پیرزن هنگام ورود به بهشت، جوان و باکره می‌شود. بنابراین از آیات و روایات چنین استفاده می‌شود که انسان‌ها از نظر شکل ظاهر هم‌شکل، سفید و مانند لؤلؤ و اگر زن باشند علاوه بر آن، باکره هم هستند. آیا شبیه‌سازی چنین افراد همانندی را به‌وجود می‌آورد؟ (خطاب، بی‌تا: ۵۵)

در منابع اهل سنت و تشیع، روایاتی با این مضمون که انسان‌ها پس از مرگ شبیه‌سازی می‌شوند؛ مانند:

عن ابی هریره ان رسول‌الله(ص) قال: کل ابن آدم یأکله التراب الا عجبُ الذَنَب منه خُلِق و فیه یَرکب؛ خاک، تمام اجزای فرزندان آدم را می‌خورد، غیر از عجب‌الذنب که در روز قیامت انسان از او خلق می‌شود. (حجاج ، ۱۴۱۷: ۱۱، ۷۲۲۵)

در روایت دیگری آمده است که «عجب الذَنَب» اولین چیزی است که انسان از آن به‌وجود می‌آید؛ درنتیجه مراد از «عجب الذنب» همان سلولی است که حاوی محتویات وراثتی است و از امتزاج سلول مذکر و مؤنث به‌وجود می‌آید. از این منظر، تمام سلول‌های انسان بعد از مرگ از بین می‌روند، مگر یک یا چند سلول در انتهای

ستون فقرات که چون با کلسیم مقاوم پوشیده شده‌اند، باقی می‌مانند. همین سلول باقی‌مانده برای تولید نسخه‌ای مطابق اصل، به یک محرک نیاز دارد.

طبق روایات دیگر، آن عامل محرک، بارانی است که از آسمان نازل می‌شود و شبیه منی مردان است؛ ولی منی مردان نیست. این عامل، آن سلول را تحریک می‌کند و انسان به‌وجود می‌آید که این همان عملیات شبیه‌سازی است و انسان‌ها از این طریق دوباره زنده می‌شوند.[1] (علوان، ۱۴۱۹: ۶۷ -۶۹)

گروهی از متخصصان چینی در چندین آزمایش ثابت کرده‌اند که محال است «عجب الذنب» از بین برود و نه با وسایل شیمیایی، نه با سوزاندن و نه با اشعه‌های مختلف محو نمی‌شود و این آزمایش سخن پیامبر اکرم(ص) را تأیید می‌کند. مرکز فتوا در فتوای شماره ۷۷ در تاریخ ششم رجب ۱۴۲۲ فتوا داد که انسان از «عجب الذنب» مبعوث می‌شود. (www.islamweb.net)

قرآن بعد از بیان معاد جسمانی و روحانی، دو دسته آیات درباره نحوه حشر انسان را بیان می‌کند: دسته یکم: آیاتی هستند که باصراحت، بدن محشور را همان بدن دنیوی می‌دانند، نه بدنی مثل و شبیه آن: «وَ أَنّ اللّهَ یَبْعَثُ مَنْ فِی الْقُبُور.» (حج، ۷) «یَوْمَ یَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْداثِ سِراعًا.» (معارج، ۴۳)

دسته دوم آیاتی هستند که بدن محشور را شبیه بدن دنیوی می‌دانند، مانند «أوَ لَیْسَ الّذی خَلَقَ السّماواتِ وَ الْأَرْضَ بِقادِرٍ عَلی أَنْ یَخْلُقَ مِثْلَهُم.» (یس، ۸۱)

مرحوم علامه طباطبایی درباره خلق کردن مثل بدن دنیوی، چندین نظریه را مطرح می‌کنند و می‌فرمایند: «حق این است که خلق کردنِ مثل کفار، همان اعاده ایشان بعد از مردن برای جزاست.

---

۱ علامه مجلسی بحث درباره عجب الذنب، را در مواضع مختلفی از ***بحارالانوار*** مطرح کرده است. (ر.ک، ۱٤۰۳: ۷، ٤۳؛ ۱۳، ۲۷۰ و ۲۷۳)

بعد این سؤال را مطرح می‌کنند که چگونه خلقتِ مثل، اعاده محسوب می‌شود؟ آنگاه چنین پاسخ می‌دهند که:

> انسان، موجودی مرکب از نفس و بدن است. بدنش در دنیا لحظه به‌لحظه در حال تحلیل رفتن و دگرگونی است و پیوسته اجزای آن تغییر می‌کنند. لذا در همین دنیا، انسانِ در آنِ قبلی، غیر از انسانِ در آنِ بعدی است؛ در حالی‌که یک شخص است؛ چون روح انسان، شخصیت انسان را در همه آنات حفظ می‌کند. پس بدنی که بعد از مرگ، کالبد آدمی می‌شود، مثل آن بدنِ قبل از مرگ است، نه عین آن؛ در عین حال، انسان بعد از مرگ، همان انسان قبل از مرگ است. (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۱۷، ۱۱۳)

بر این اساس، بدنِ بعد از مرگ همان بدنِ قبل از مرگ است؛ گرچه در سلول‌های آن تغییر و تحولی ایجاد شود و این‌گونه تغییر و تحولات به وحدت شخصیتی فرد ضرری نمی‌زند. بنابراین بین این دو دسته آیات، هیچ‌گونه منافاتی وجود ندارد؛ چون همان وحدت شخصیتی که مشتکل از روح و بدن دنیایی است و چندین بار هم تغییر می‌یابد، عین همان شخصیتِ متشکل از بدن و روح در قیامت محشور می‌شود.

طبق این توضیحات روشن می‌شود که نظریه محمد علوان که حشر بدن انسان‌ها را به‌صورت شبیه‌سازی می‌داند، صحیح نیست؛ زیرا:

اولاً، همان‌گونه که اگر شبیه‌سازی در دنیا واقع شود، فرد اصلی با نسخه او، دو فرد با دو بدن و دو روح هستند و هرگز دارای شخصیت واحد نیستند، اگر انسان به‌صورت شبیه‌سازی شده محشور شود نیز همان انسان و شخص دنیوی نخواهد بود؛ بلکه بدن و روح او مستقل و بی‌ارتباط با فرد دنیوی است؛ مگر اینکه بگوییم وقتی بدن شبیه‌سازی شد، روح همان فرد دنیوی در بدن شبیه‌سازی شده وارد می‌شود؛ در این‌صورت سخن ایشان صحیح خواهد بود؛ ولی اثبات این امر،

غیرممکن و مستلزم تناسخ است.

ثانیاً، آیات و روایات فراوانی وجود دارد که حشر انسان‌ها را به‌صورت‌ها و شکل‌های مختلفی می‌داند و طبق آنها، همه به یک شکل و قیامه نیستند.

ثالثاً، روایاتی که «عجب الذنب» را مطرح کرده‌اند، همگی خبر واحد هستند و در این‌گونه مباحث نمی‌توان به آنها استناد کرد.

رابعاً، این روایات، مطالبی را به‌صورت مجمل ذکر کرده‌اند و نمی‌توان به‌طور قطعی آنها را بر شبیه‌سازی انسان انطباق داد.

نتیجه

بررسی دلایل مخالفان نشان داد که نمی‌توان به‌استناد آنها شبیه‌سازی انسانی را تحریم نمود و این فن‌آوری هیچ تعارضی با آموزه‌های دینی ندارد؛ اگر کسانی درصدد مخالفت با شبیه‌سازی هستند، باید از دلایلی دیگر بهره بجویند. بنابراین تکنولوژی شبیه‌سازی از منظر کلامی هیچ اشکالی ندارد: بلکه می‌توان برای اثبات قدرت، عظمت و علم خداوند و همچنین برای تقریب کیفیت حشر انسان‌ها به ذهن، از این فن‌آوری مدد جست.

منابع و مآخذ

۱. ***قرآن کریم***

۲. ابن‌منظور، محمد بن مکرم، بی‌تا، ***لسان العرب***، بیروت، الهلال.

۳. ابن‌زکریا، احمد بن فارس، ۱٤۰٤، ***معجم مقاییس اللغة***، قم، مکتبة الاعلام الاسلامی.

٤. ابن‌خلدون، عبدالرحمن بن محمد، بی‌تا، ***مقدمه ابن‌خلدون***، بیروت، الاعلمی.

۵. اشقر، محمدسلیمان، ۱٤۲۲، ***الابحاث الاجتهادیة فی الفقه الطبی***، بیروت، الرسالة.

٦. اشقر، محمدسلیمان و دیگران، ۱٤۲۱، ***دراسات فقهیة فی قضایا طبیة معاصرة***، اردن،

دار النفاس.

۷. انصاری قرطبی، محمد بن احمد، ۱٤۰۵، ***الجامع لاحکام القرآن***، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

۸. احمدسالم حسن، عایشه، ۱٤۲۹، ***الاحکام المتصلة بالحمل فی الفقه الاسلامی***، بیروت، المؤسسة الجامعیة للدراسات و النشر.

۹. اسلامی، سیدحسن، ۱۳۸٦، ***شبیه‌سازی انسان از دیدگاه عالم کاتولیک و اسلام***، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.

۱۰. ـــــــــ، ۱۳۸٤الف، «شبیه‌سازی از دیدگاه کلامی اهل سنت»، ***انجمن معارف اسلامی***، ش ۲.

۱۱. ـــــــــ، ۱۳۸٤ب، «شبیه‌سازی در آیین کاتولیک»، ***هفت آسمان***، شماره ۲۷،

۱۲. . حجاج نیشابوری، مسلم، ۱٤۱۷، ***صحیح مسلم***، بیروت، دار الفکر.

۱۳. حسینی، سیدرضا، ۱۳۸۱، ***فرهنگ آثار؛ معرفی آثار مکتوب جهان از آغاز تا امروز***، تهران، سروش.

۱٤. خطاب، عبدالمعز، بی‌تا، ***الاستنساخ البشری***، قاهره، دار الذهبیة.

۱۵. خویی، ابوالقاسم، ۱۳۷۷، ***مصباح الفقاهة***، قم، داوری.

۱٦. ریاض احمد، عودةالله، ۲۰۰۳، ***الاستنساخ فی میزان الاسلام***، عمان، دار اسامة.

۱۷. راغب اصفهانی، ابوالقاسم، ۱۳٦۲، ***مفردات الفاظ القرآن***، قم، مرتضوی.

۱۸. سلیمی، حسین، ۱۳۸۵، ***فرهنگ‌گرایی جهانی شدن و حقوق بشر***، ایران، وزارت امور خارجه.

۱۹. سعدی، داودسلیمان، ۱٤۲۳، ***الاستنساخ بین العلم و الفقه***، بیروت، دارالحرف العربی.

۲۰. سلامة، زیاد احمد، ۱٤۱۷، ***اطفال الانابیب بن العلم و الشریعه***، بیروت، دار البیارق.

۲۱. سیوطی، جلال‌الدین، ۱٤۲۱، ***الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور***، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

۲۲. طباطبایی، سیدمحمدحسین، ۱۳۹۳، ***المیزان فی تفسیر القرآن***، قم، اسماعیلیان.

۲۳. طوسی، ابوجعفر محمدبن الحسن، بی‌تا، ***التبیان***، بیروت، الاعلمی.

۲٤. غنیم، کارم، ۱٤۱۸، ***الاستنساخ و الانجاب***، قاهره، دار الفکر العربی.

۲۵. علوان، توفیق محمد، ۱٤۱۹، ***الاستنساخ البشری بین القرآن و العلم الحدیث***، بیروت، دارالوفاء.

۲٦. فوزی، محمدحمید، ۱٤۲۰، ***الاستنساخ البشری بین التحلیل و التحریم***، دمشق، دار الصفدی.

۲۷. فروغی، محمدعلی، ۱۳٦٦، ***سیر حکمت در اروپا***، تهران، زوار.

۲۸. فوکویاما، فرانسیس، ۱۳۸٤، ***آینده انسانی ما***، ایران، موسسه انتشاراتی ایران.

۲۹. ***قرارات و توصیات مجمع الفقه الاسلامی***، ۱٤۱۸، دمشق، در القلم.

۳۰. قرضاوی، ۱۳۸۲، ***فروغ وحدت***، ش ۱۲.

۳۱. مجلسی، محمدباقر، ۱٤۰۳، ***بحارالانوار***، بیروت، الوفاء.

۳۲. مصباح، عبدالهادی، ۱٤۱۹، ***الاستنساخ بین العلم و الدین***، قاهره، دارالمصریة اللبنانیة.

۳۳. محمدی، علی، ۱۳۸۷، ***شبیه‌سازی انسان***، قم، معارف.

۳٤. مؤمن، محمد، ۱۳۸٤، «شبیه‌سازی»، ***کاوشی نو در فقه اسلامی***، ش ٤٦.

۳۵. معلوف، لوییس، ۱۹۹۲، ***المنجد فی اللغة و الاعلام***، بیروت، دار المشرق.

۳٦. ناظمی، علی و دیگران، ۱۳۸۵، ***شبیه‌سازی انسان***، تهران، آییژ.

37. www.zendegi.com/new-page-795.htm
38. www.eajaz.com
39. www.islamweb.net.